

رعایت تقدم و تأخر در فرهنگ‌سازی

علیرضا پناهیان |

اشاره: مطالبی که در این بخش به صورت دنباله‌دار می‌آید، برداشت‌هایی کوتاه و مستقل از مباحثی است که توسط حجت الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان در دانشگاه امام صادق(ع) تحت عنوان «مدیریت فرهنگی» ارائه شده و برای اولین بار جهت استفاده عموم علاقمندان حوزه فرهنگ منتشر می‌شود. (موسسه عصر بیان معنوی - ناشر آثار استاد پناهیان)

مروری بر مطالب گذشته: در قسمت اول استاد به معرفی «مفهوم فرهنگ و عناصر آن» پرداختند. در قسمت دوم به شکل‌گیری «خودبه‌خود و ناخواسته فرهنگ» و آسیب‌هایی که امکان دارد از این رهگذر به وجود بیاید پرداخته شد و از این رهگذر «اهمیت و ضرورت مدیریت فرهنگ» مورد توجه قرار گرفت.

انعکاس سؤال به استاد: هرگونه سوال و یا نظر «مرتبط با این مطالب» را می‌توانید به سامانه پیامکی «بیان معنوی» به شماره «۱۰۰۰۱۳۱۳» پیامک کنید. تمامی سؤالات و نظرات به استاد منعکس می‌شود و در صورتی که پاسخ کوتاهی داشته باشد، برای شما پیامک خواهد شد. ممکن است برخی از پرسش‌ها و و پاسخ‌ها در شماره‌های بعد همین نشریه منعکس شود.

ضرورت توجه به تقدم و تأخر در فرهنگ‌سازی

یکی از نکات مهم در خصوص فرهنگ‌سازی، توجه به این نکته است که برخی مفاهیم و عناصر فرهنگی بر بعضی دیگر تقدم دارند و در جریان فرهنگ‌سازی باید نسبت به این تقدم و تأخرها توجه ویژه داشت. نباید تصور کرد هر اقدام خوبی در فضای فرهنگی حتماً نتیجه خوبی خواهد داشت. چرا که **گاهی از اوقات یک عملیات فرهنگ‌سازی بدون پیش زمینه‌های لازم، موجب تخریب یک عنصر فرهنگی مثبت می‌گردد.** تقدم برخی از امور در فرهنگ‌سازی به این معناست که ابتدا برخی از نگرش‌ها و رفتارها باید در جامعه نهادینه شود تا سپس بتوان بسیاری از امور فرهنگی را اصلاح و یا ایجاد کرد.

برای مثال، نهادینه شدن فرهنگ حجاب نیازمند نهادینه شدن مقدماتی است که بدون آنها پذیرش و فراگیر شدن امر حجاب بسیار دشوار خواهد بود. **ما باید در ابتدا برخی از عناصر فرهنگی مقدماتی تر را در جامعه زنده کرده و برخی از معارف کلیدی و مقدماتی تر را به یک معرفت عمومی تبدیل کنیم، سپس به دنبال نهادینه کردن رفتاری مانند حجاب باشیم. شاید اگر قبل از حجاب، مبارزه با هوای نفس و یا حیا، به یک ارزش مقبول و فراگیر در جامعه تبدیل شود، بهتر بتوان حجاب را نهادینه کرد.** درباره پایه‌ای بودن حیا پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «هیچ سخنی مانند این کلام از انبیاء مانند ضرب المثل در میان مردم باقی نمانده است: إِذَا لَمْ تَسْتَحْ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ» اگر حیا نداری دیگر هر کاری می‌خواهی انجام بده. (عن علی بن موسی الرضا عن ابيه عن ابيه عن رسول الله ص قال: لَمْ يَبْقَ مِنْ أَمْثَالِ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا قَوْلُ النَّاسِ إِذَا لَمْ تَسْتَحْ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ؛ امالی صدوق، ص ۵۱۰)

مثال بهتر احترام به والدین است. اگر احترام به والدین در جامعه به خوبی نهادینه شود و از حد قابل قبولی برخوردار شود هم لوازم مهم و هم تبعات بسیار ارزشمندی خواهد داشت که راه را برای اصلاح و ارتقاء فرهنگی در بسیاری از زمینه‌ها هموار خواهد کرد. این در حالی است که احترام به والدین امری نیست که زیاد در مقابل آن مقاومت وجود داشته باشد یا از دشواری خاصی برخوردار باشد.



دو ویژگی برای تشخیص فرهنگ‌های مقدم

در جریان فرهنگ‌سازی ابتدا باید به اموری پرداخت که از دو ویژگی مهم برخوردار باشند: اول آنکه پذیرش آنها آسان تر باشد، و راحت تر بتوان آنها را نهادینه کرد. دوم آنکه موجب تسهیل در پذیرش دیگر ارزش‌ها و رفتارهای خوب در فرهنگ جامعه بشوند. آسان بودن در جریان فرهنگ‌سازی یک امر نسبی است و متناسب با هر جامعه و فرهنگی ممکن است متفاوت باشد، ولی **فطرت و طبیعت مشترک انسان‌ها و یا ارزش‌های پذیرفته شده در یک جامعه، مبنای آسان شدن فرهنگ‌سازی در هر موضوعی است.**

طبیعتاً اگر حجاب به عنوان یک رفتار دینی و هنجار فرهنگی مورد اعتنا قرار گیرد، خودبه‌خود عاملی برای تقویت بنیادهای آن مانند حیا و مبارزه با هوای نفس هم خواهد بود. ولی اگر بدون زیرساخت‌های فرهنگی به ترویج حجاب پرداخته شود و تنها به برخی انگیزه‌ها مانند ایمان به خدا و رعایت دستور دین اکتفا شود، مشکلاتی که در سر راه آن قرار خواهد گرفت زیاد خواهد بود و آسیب‌پذیری از تهاجمات فرهنگی زیاد خواهد شد.

غفلت مدیران فرهنگی و فرهنگ‌سازان از عناصر فرهنگی مقدم و کلیدی

تقدم اموری که اساس فرهنگ سالم را تشکیل می‌دهند، باید به صورت مداوم از سوی فرهنگ‌سازان مورد توجه قرار گیرد و حتی پس از نهادینه شدن امور فرهنگی مقدم و پایه، همیشه از آنها محافظت شود و به جریان‌های مخرب اجازه حضور در صحنه فرهنگی جامعه داده نشود. باید با سخت‌گیری بیشتری نسبت به محافظت از امور فرهنگی که جنبه اساسی دارند برخورد کرد.

اگرچه این تقدم و تأخرها اموری نسبی هستند و به سهولت در یک خط طولی پشت سرهم قرار نمی‌گیرند ولی اموری که مقدم‌تر هستند باید مورد عنایت بیشتری قرار گیرند. این امور یا یک سلسله امور عقلایی و همه فهم هستند که معمولاً مورد پذیرش همگان هستند و یا یک

سلسله اولیات دینی و اعتقادی هستند که برای یک جامعه دینی پذیرفته شده و یا مورد علاقه می‌باشند. نکته مهم این است که این امور با آنکه ابتدایی و بدیهی هستند، و علی‌القاعده باید مورد پذیرش همه مردم باشند و به سهولت در فرهنگ جامعه نهادینه شده باشند، ولی در اثر غفلت مدیران فرهنگی و فرهنگ‌سازان جامعه، مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گرفته‌اند؛ و بادهای مسموم تهاجم فرهنگی آنها را آماج آسیب‌ها کرده است.

ویژگی فرهنگ مقدم } سهولت پذیرش در جامعه (و در نتیجه سهولت فرهنگ سازی)
موجب تسهیل پذیرش سایر ارزشهای فرهنگی در جامعه

مبنای تشخیص میزان سهولت فرهنگ سازی در هر موضوع } فطرت و طبیعت مشترک انسان ها
ارزشهای پذیرفته شده در یک جامعه

معمولا اهمیت و تقدم عناصر فرهنگی مقدم از چشم بسیاری از مردم و افراد سطحی نگر پنهان می‌ماند. پایه‌ای بودن برخی از عناصر فرهنگ آنچنان مورد غفلت قرار می‌گیرد که اهتمام لازم برای فرهنگ‌سازی درباره آنها نمی‌شود و یا به وجود حداقل آن در جامعه اکتفا می‌شود. مثلا وقتی گفته می‌شود: احترام به والدین یک عنصر اساسی و مقدم بر بسیاری از امور فرهنگی است؛ به همان مقداری که در جامعه وجود دارد اکتفا می‌شود و از اهتمام به تقویت آن خودداری می‌شود. شاید به این دلیل که ارتباط بین عناصر فرهنگی بخوبی درک نمی‌شود و ابتناء ارزش‌های فرهنگی بر برخی از عناصر کلیدی بخوبی فهمیده نمی‌شود.

سوء استفاده دشمنان از این غفلت و عدم حساسیت کافی به تخریب پایه‌های فرهنگی

دشمنان فرهنگ اصیل انسانی و ایمانی از همین غفلت سوء استفاده کرده‌اند و با بی‌اهمیت جلوه دادن برخی ناهنجاری‌های فرهنگی و با انواع تهاجم‌های فرهنگی توانسته‌اند وضعیت بدی در جوامع مختلف ایجاد نمایند. عدم حساسیت کافی نسبت به تخریب پایه‌های فرهنگی، ابتدا موجب آسیب‌های جزئی در فرهنگ می‌شود ولی از آنجایی که این پایه‌ها مقدمه بسیاری از ارزش‌های فرهنگی هستند آثار سوء تخریب آنها به مرور در کلیت فرهنگ جامعه دیده می‌شود ولی آن زمان شاید برای اصلاح فرهنگی دیر شده باشد.

در یک جامعه دینی ممکن است مشکلاتی بیش از جوامع دیگر در این زمینه‌ها بروز نماید؛ به این معنا که وقتی پایه‌ها و مقدمات فرهنگی جامعه تخریب شده باشد و مدیران فرهنگی بخواهند بدون ترمیم آنها به برخی ارزش‌های دینی و نهادینه کردن رعایت احکام الهی در جامعه پافشاری نمایند، مقاومت‌ها و احساس تحمیل‌های فراوانی شکل خواهد گرفت. درحالی که با مقدمه‌سازی و نهادینه کردن برخی امور که زمینه ساز پذیرش احکام الهی هستند می‌توان به سهولت بیشتری به فرهنگ‌سازی در امور دینی اقدام نمود.

تقدم فرهنگ راهبردی «ارزشمندی مخالفت با نفس»

در رأس اموری که باید در فرهنگ‌سازی مقدم قرار بگیرند ارزشمندی بودن مخالفت با هوای نفس می‌باشد. چرا که بدون نهادینه کردن آن نمی‌توان به بسیاری از هنجارهای دینی و اخلاقی جامعه عمل پوشاند. جامعه‌ای که «مخالفت با تمایل‌های نفسانی» یک ارزش مهم و نهادینه شده در فرهنگ آن به حساب نیاید، قادر به تحمل دین و حاکمیت ارزش‌های معنوی نخواهد بود.

در کنار مبارزه با هوای نفس، ویژگی صبر و رضایت می‌تواند به عنوان مهم‌ترین مکمل پایه‌های فرهنگ متعالی یک جامعه، فرهنگ آن را مستحکم سازد. صبر در برابر سختی‌ها روی دیگر مبارزه با هوای نفس است که ارزش و اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست. اما مهم این است که نباید با قرار دادن چنین اوصاف کلیدی در کنار دیگر فضائل، از اهمیت خاص آن بکاهیم و انرژی فرهنگ‌سازان را در زمینه‌های متعدد پراکنده کنیم. باید با تمرکز بر این ویژگی‌های راهبردی و مقدم بر عناصر فرهنگی دیگر، فرهنگ‌سازی نماییم.

مهمترین زمان و مکان برای فرهنگ‌سازی «مخالفت با هوای نفس»

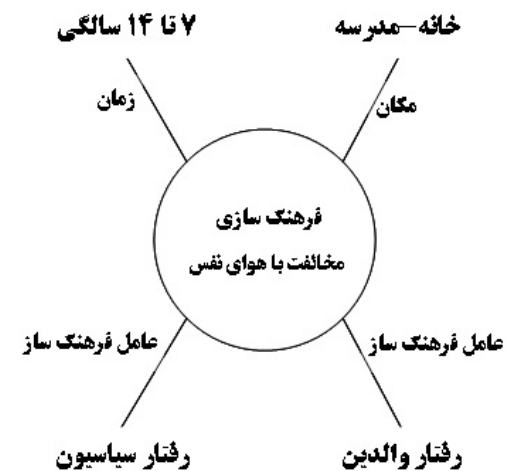
مهم‌ترین مکان فرهنگ‌سازی برای ارزش‌های بنیادین جامعه، خانه و مدرسه می‌باشد. هماهنگی این دو جایگاه برای فرهنگ‌سازی در زمینه مخالفت با هوای نفس می‌تواند به سهولت جامعه را به سوی پذیرش فرهنگ مبارزه با نفس سوق دهد. به‌ویژه اینکه زمان مناسب برای فرهنگ‌سازی و تربیت فرهنگی در این زمینه -بر اساس آموزه‌های دینی و نیز برخی مباحث روانشناسی رشد- از هفت تا چهارده سالگی است. البته رسانه‌های دیداری نقش بسیار مهمی در تسهیل این فرهنگ‌سازی برعهده دارند. به این ترتیب برگزیده‌ترین مخاطبان عملیات فرهنگ‌سازی نوجوانان خواهند بود و زمانی دیرتر از این دوران سنی برای تاثیرگذاری بسیار دیر هنگام خواهد بود.

نقش والدین

برای فرهنگ‌سازی باید عوامل مختلف به کار گرفته شوند. پدر و مادر با رعایت نقش الگو بودن برای فرزندان خود باید «مخالفت با هوای نفس» را در عمل به فرزندان خود بیاموزند. در همین موقعیت و به دلیل اهمیت تربیت فرزندان، می‌توان بسیاری از هنجارهای اساسی فرهنگی را در خانواده‌ها نهادینه کرد. در اینصورت نظام خانواده به خوبی شکل خواهد گرفت و تحکیم خانواده به عنوان یک ارزش پایه‌ای در جامعه، مبنای اصلاح و ارتقاء فرهنگی قرار خواهد گرفت. وقتی یک پدر و مادر «مخالفت با هوای نفس» را یک ارزش اساسی تلقی نمایند و آن را به یک عادت رفتار خانوادگی تبدیل کنند، مشاجرات به کمترین حد خود خواهد رسید و از خودگذشتگی در خانه رواج خواهد یافت.

نقش سیاسیون

نکته مهم و عجیبی که امیرالمؤمنین (ع) به آن تصریح می‌فرمایند، نقش سیاسیون و مدیران جامعه در فرهنگ‌سازی و تاثیرگذاری بر رفتار مردم است. به حدی که حضرت آن را موثرتر از نقش والدین اعلام می‌فرمایند: «مردم بیشتر شبیه و تحت تأثیر مدیران جامعه هستند تا پدران و مادران خود؛ النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» (تحف العقول / ۲۰۸). رفتار شخصی مسئولان و منش و طرز نگرش آنها می‌تواند به عنوان مهم‌ترین عامل فرهنگ‌ساز عمل نماید.



حضرت علی (ع): مردم بیشتر شبیه مدیران جامعه هستند تا والدین خود

علاوه بر اینکه رفتار و گفتار مسئولان جامعه عامل بسیار مهمی در شکل‌دهی فرهنگ جامعه می‌باشد و نقش مستقیمی در بهسازی فرهنگ دارد، در صورتی که عناصر کلیدی فرهنگی در شخصیت مسئولان جامعه نهادینه و تثبیت شده باشد، امکان درک صحیح و عمیق از این معانی و جایگاهشان در برنامه‌ریزی‌ها در آنها وجود خواهد داشت و رفتار سیاسی و مدیریتی آنها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. ضمن آنکه برنامه‌ریزی «صحیح» و «دقیق» فرهنگی برای جامعه نیاز به یک تجربه عمیق از ویژگی‌های برجسته اخلاقی و معنوی دارد. **اگر یک مسئول در برخورداری از ویژگی‌های اخلاقی به درجه مطلوبی از خودسازی و ثبات شخصیتی نرسیده باشد، بعید است بتواند به درک صحیحی از یک برنامه صحیح فرهنگی برسد و یا در تلاطم‌های سیاسی تاب مقاومت بیاورد و دچار لغزش نشود.**

بنده تصور می‌کنم امروزه رواج معنویت در جامعه بیش از هرچیز موهون منش و رفتار و گفتار حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری است. وقتی مردم تقوا و دیانت رهبر جامعه خود را اینچنین می‌یابند، بدون آنکه بسیاری از عوامل دیگر فرهنگ‌ساز همراهی لازم را داشته باشند، حرکت کلی جامعه به سوی تقویت بنیادهای معنوی خواهد بود. ای کاش نظامات اجتماعی و دیگر مسئولان جامعه و برنامه‌های فرهنگی، همه و همه با این حرکت اصیل معنوی همراهی می‌کردند تا سرعت جامعه به سوی تحقق ارزش‌های والای اسلامی در فرهنگ تسریع می‌شد.

